

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارش ها

گزارشگران پورتال – افغانستان

۱۱/۰۱/۱۷

در افغانستان چه می گذرد؟

(۹۹)

انتحار در "ویش":

به تاریخ ۸ جنوری، بر یک حمام در منطقه ویش ولسوالی بولدک قندهار از سوی طالبان عملیات انتحاری صورت گرفت. در این عملیات ۱۷ تن کشته و ۲۳ تن دیگر زخمی شدند. این عملیات به خاطری صورت گرفت که رمضان معاون قوای سرحدی قندهار و مدیر جنائی قومندانی سرحدی داخل حمام بودند. در این عملیات هم معاون قومندان سرحدی و هم آمر جنائی این قومندانی به قتل رسیدند. گفته می شود که در این عملیات هشت تن از افراد سرحدی نیز به قتل رسیده اند، اما دولت تعداد کشته شدگان پولیس سرحدی را ۲ نفر اعلان کرده است. کشته شدگان و زخمی ها اکثر ملکی هائی بودند که در ساعت ۱۲ روز مصروف حمام کردن بودند.

۱۴۰۰ امریکائی دیگر:

ایالات متحده امریکا اعلان کرد که به زودی ۱۴۰۰ سرباز دیگر به افغانستان ارسال می کند. این ۱۴۰۰ نفر در حالی به افغانستان می آید که ۱۳۰ هزار نیروی امریکائی همین حالا در ۲۰۰ پایگاه بزرگ و کوچک امریکا در خاک افغانستان حضور دارند. این نیروی جدید در حالی به افغانستان می آید که امریکائی ها از یکسال به این سو از خروج نیرو های شان در جولای ۲۰۱۱ خبر می دهند. در این حال چند روز قبل اعلان شد که امریکائی ها تعداد افراد هوائی خود را از ۵۲ نفر به ۱۳۲ نفر در افغانستان رساند است. نیروی جدید در قندهار جا به جا می شود. امریکائی ها می گویند که نمی خواهند باختم زمستان طالبان را در حال برگشت به افغانستان ببینند و می خواهند همین زمستان بیشتر پایگاه های آنان را نابود بسازند و اما بسیاری این سوال را مطرح می سازند که امریکا وقتی با ۱۳۰ هزار نفر در برابر طالبان خود را عاجز نشان می دهد، پس اثرات این ۱۴۰۰ نفر چقدر خواهد بود که به زودی برای ورود شان چنین تصمیمی گرفته شده است. در این حال رابرت گیتس وزیر دفاع امریکا گفته است که برای حفظ دستاورد های اردوی امریکا در قندهار در خواست ۱۴۰۰ نفر سرباز دیگر را هم خواهد کرد تا به

افغانستان ارسال شوند و به این صورت خط مقدم جبهه تقویت گردد. که در این صورت تا نیمهٔ جنوری ۳۰۰۰ نیروی دیگر امریکائی نیز وارد افغانستان خواهند شد. این اعلان در حالی صورت می گیرد که لیندسی گراهان یک سناتور جمهوری خواه در سنای امریکا اعلان کرد که پایگاه های دایمی امریکا در افغانستان به نفع امریکا و افغانستان است، چون اگر این پایگاه های دایمی در افغانستان وجود داشته باشد، چون نیروی بازدارنده عمل کرده و پاکستان توان مداخله و دست درازی در افغانستان را از دست می دهد، اما بسیاری از سناتور های دموکرات با خروج برخی از نیرو های امریکائی از افغانستان موافق اند. با اینکه بسیاری از توده های مردم در تلویزیون ها از چنین پایگاه هائی ابراز تشویش کرده اند، اما بسیاری از تحلیلگران و روشنفکران جاسوس و وطنفروش در این روز ها از ضرورت موجودیت چنین پایگاه هائی در افغانستان بحث می کنند و آنرا تیوریزه کرده به خورد مردم افغانستان می دهند. اما سخنگویان طالبان در این مورد گفته اند که به امریکائی ها اجازه داشتن پایگاه در افغانستان را نخواهند داد و آن را ناقض استقلال کشور دانسته اند.

تلفات طالبان در کنز:

در اثر درگیری شدیدی که میان نیرو های دولت پوشالی و طالبان به تاریخ نه جنوری در کنز به وقوع پیوست، نیرو های طالب متحمل تلفات سنگینی شدند. در این درگیری و رویارویی که در ولسوالی خان آباد این ولایت به وقوع پیوست، از طالبان ۱۵ تن به شمول ولسوال ولسوالی خان آباد این ولایت به قتل رسیدند. این ولسوال مولوی ظاهر نام دارد و از سوی طالبان مدتی پیش به این سمت گماشته شده بود. در این اواخر کنز یکی از نا امن ترین ولایات افغانستان بوده که در آن القاعده و طالبان از هر جای دیگری در سمت شمال فعال تر شده اند.

نصیر الله بابر مُرد:

نصیرالله بابر که در دور اول صدراعظمی بینظیر بوتو وزیر داخلهٔ پاکستان بود به تاریخ نهم جنوری در گذشت. او که از یک و نیم سال به این سو فلج و در شفاخانه بستری بود، بالاخره در اثر این مریضی جان داد. این جنرال سابقهٔ اردوی پاکستان که در دههٔ نود راه رسیدن طالبان به قدرت را باز کرد، در افغانستان به پدر طالبان شهرت دارد. او بود که برای باز نمودن راه چمن به تورغندی در آغاز ظهور طالبان چند بار به قندهار و هرات سفر کرد و با قومندانان قندهار و اسماعیل خان در هرات دیدار کرد. اما چون این سفر هایش به عنوان مقدمه ای به ظهور طالبان یاد آوری شد، بعد از چند روز طالبان بولدک را تصرف کردند و یک کاروان کالا های پاکستانی که عازم آسیای میانه بود و توسط منصور یکی از قومندانان عصمت مسلم ملیشه ای دوران نجیب چپاول شده بود، طالبان این کاروان را از چنگ منصور رها کردند و خود او را دستگیر و به میلهٔ تانک حلق آویز کردند و به این خاطر در اولین اقدام و امتحان نزد بابر و آی اس آی کامیاب شده و همان بود که حرکت آنان برای تسخیر کل افغانستان آغاز گردید. بابر در جریان تسلط طالبان بر افغانستان، صد ها اثر باستانی افغانستان را ربوده و موزیم کلانی در خانه اش ساخت. گرچه تلاش هائی در این چند سال صورت گرفت تا این آثار برگردانده شود، اما بابر حاضر به دادن آن نشد. به این خاطر نصیرالله بابر اکنون در افغانستان به پدر طالبان و دزد آثار تاریخی افغانستان معروف می باشد. او کسی بود که گلبدین را به نام شفری گلکار و احمدشاه مسعود را به نام برقی صدا می زد. با مرگ بابر یکی دیگر از آنانی که آرزوی تجزیهٔ خاک ما را در سر می پروراندید، آرمان خود را با خود به گور برده ننگ و نفرین تاریخ و مردم این خطه را کمائی نمود. باشد دیگران از آن عبرت گیرند.

تظاهرات ضد ایران:

بعد از آنکه ایران صد ها تانکر تیل افغانستان را که از عراق تیل می آوردند، در مرز ایران با افغانستان متوقف ساخت و روز هاست که برای شان اجازه ورود به داخل افغانستان نمی دهد و می گوید که از این تیل ها نیرو های اشغالگر امریکائی استفاده می کند و با آن که فهیم معاون کرزی به ایران رفت و با احمدی نژاد دیدار نمود، باز هم این تانکر ها همچنان در مرز ایران بند باقی ماند. مردم افغانستان زیر فشار سنگین کمبود تیل قرار گرفتند و اکنون تیل به لیتر ۶۵ افغانی رسیده در حالیکه قبل از این لیتر ۴۰ افغانی بود. در این زمستان مردم سخت دچار عذاب و پر ابله شده اند. در مناطق غرب افغانستان چون بیشتر با واتر پمپ کشت می کنند و امسال خشکسالی است، مردم این مناطق قادر به زرع گندم نبوده، دوباره به تریاک رو آورده اند. در ضدیت با ایران و بستن مرز بر روی تیل ورودی به افغانستان به تاریخ هشت جنوری تظاهراتی از سوی حزب مشارکت ملی نجیب الله کابلی و مالک چینل تلویزیونی «امروز» به راه افتاد که در مقابل سفارت ایران شعار مرگ بر ایران مرگ بر احمدی نژاد داده می شد. به این خاطر روز نه جنوری نیز تظاهراتی در کابل به راه افتاد که رهبری آن را شورای کارگران افغانستان به دست داشت. این شورا نیز عمل ایران را محکوم نمود. علاوه به اینکه مظاهره چیان در برابر سفارت ایران شعار هائی علیه ایران داند، مقابل دفتر سازمان ملل نیز گرد آمد و از این دفتر خواستند ایران را زیر فشار قرار دهد تا تانکر های تیل تاجران افغانستان را که تیل از عراق وارد می سازند، اجازه ورود به افغانستان بدهد. در این حال اتاق های تجارت افغانستان اعلان کرد که اگر دولت ایران به زودی تانکر های تیل تاجران افغان را اجازه ورود به افغانستان ندهد، افغانستان از ورود تمام کالا های ایرانی به داخل افغانستان جلوگیری خواهد کرد. در حال حاضر ایران کالا های بی کیفیت زیادی وارد افغانستان می سازد و از این درک تاجران ایرانی سالانه یک و نیم میلیارد دالر سود می گیرند. این که ایران در برابر این تهدید ها تمکین خواهد کرد یا نه، باید در آینده دیده شود. در این میان نباید دستان آن عده از مزدوران و موایب بگیران امریکا را که می خواهند از خشم و انزجار به حق مردم سود جسته، مردم را از ضدیت علیه امریکا به سمت ایران سوق دهند نادیده گرفت.

یک قومندان حقانی کشته شد:

یکی از قومندانان حقانی معروف به میرویس حقانی در بر خورد با نیرو های ناتو مستقر در ولسوالی صبری ولایت پکتیا به تاریخ ۱۱ جنوری به قتل رسید. این قومندان که اکثر عملیات ماین گذاری و عملیات انتحاری را در این ولسوالی سازماندهی می کرد، از مدت ها زیر نظر نیرو های امریکائی قرار داشت تا اینکه به روز سه شنبه به قتل رسید. گروه حقانی با از دست دادن این قومندان زیان کلانی دید. این گروه که بیشترین امکانات پولی در اختیار دارد قادر به خرید تعداد زیاد انتحاری در بازار انتحاری فروشان می باشد و به این خاطر قومندانان این گروه برای امریکائی ها بسیار مهم تلقی می کردند. در این حال از ولسوالی نرنگ ولایت کنر خبر می رسد که به تاریخ یازده جنوری ۶ کودک که با سرگلوله یک توپ بازی می کردند، به علت انفجار آن سرگلوله همه به شدت زخمی شدند. یکی از مواردی که اشغالگران از نخستین روز های اشغال افغانستان مرتب آن را نشخوار می نمودند پاک سازی افغانستان از مین ها و بمب های منفجر نشده بود. این حادثه نشان داد که اشغالگران همان طوری که در سایر زمینه ها به چشم مردم خاک پاشیده و دروغ گفته اند در این قسمت نیز هیچ کاری انجام نداده اند و تمام آن "انجو" هائی که

زیر همین عنوان به صد ها ملیون دالر را دریافت داشته اند به غیر از جاسوسی و شبکه های استخباراتی دشمن را مستحکم نمودن مصدر کار دیگری نگردیده اند.

سرمفتش امریکا از کارش استعفاء داد:

ستر جنرال متقاعد آرنولد فیلدز که در سال ۲۰۰۸ از سوی کنگره امریکا و بعد حمایت دولت امریکا مأمور نظارت به پول های مصرفی امریکا در افغانستان شده بود، از کارش استعفاء داد. این جنرال سیاه پوست که شخص بسیار جدی به نظر می رسید، در آغاز کارش به جمعی از خبرنگاران در کابل اظهار داشت که پول های زیادی در افغانستان به هدر رفته است. وی تصاویری را از یک لیلیه در غور نشان داد که لباس های محصلان به شکل رقت باری در کنج اتاق ها روی هم انبار می باشد و او گفت که امریکا برای این پروژه پول زیادی پرداخته که باید تخت خواب و الماری نیز ساخته می شد، اما چون این پروژه دست به دست شده و در جریان پول های پروژه در فساد گم شده ، پس می بینیم که حتی میخی به دیوار کوبیده نشده است، چه رسد به الماری و تخت خواب. او اظهار داشت که ۲۶ دوسیه فساد را در امریکا پیدا کرده و به مقامات قضائی این کشور تحویل داده است. وی بعد ها گروه سیگار را ساخت و یک صد نفر عضوین گروه بود. وی که از کارش به شدت ناراضی بود و ادعا داشت که ملیارد ها دالر امریکائی به وسیله کمپنی ها شامل فساد شده، قادر به مهار این وضعیت نگردید و زیر این فشار ها بالاخره استعفاء داد.

جوبایدن چیز دیگری می گوید:

جوبایدن معاون رئیس جمهور امریکا که فرد عصبی و دمدمی مزاجی به نظر می رسد. چندی قبل اعلان کرد که در سال ۲۰۱۴ نیرو های امریکائی کاملاً خاک افغانستان را ترک می گوید و این خلاف گفته هائی بود که تا آنزمان اوباما، کلینتون، هالبروک، گیتس، مک مولن و پتریوس گفته بود. چون اینان تا آنزمان مثل امروز می گفتند که ما مسئولیت جنگ را به نیرو های افغان می سپاریم، اما خود ما بنا به منافی که داریم در افغانستان باقی می مانیم. این گفته جوبایدن بسیاری را متعجب ساخت و رسانه ها روی آن بسیار نوشتند و گفتند. جوبایدن سال گذشته نیز به کابل آمد و در ضیافتی که کرزی برای او در ارگ ترتیب داده بود، در آغاز این ضیافت، او با تحکم به کرزی گفت که دولت افغانستان فاسد است و باید از این فساد جلوگیری شود. کرزی در جوابش با جدیت گفت که این فساد را شما به افغانستان آورده اید و تمام دونه های شما فاسد اند و شما ابتداء به خود رسیدگی کنید بعد به ما توصیه نمائید . این صحبت های تند با عث شد که جوبایدن جلسه را ترک کند و ضیافت کرزی را نیمه تمام بگذارد، اما اینک بار دیگر جوبایدن به کابل آمده و خلاف گذشته می گوید که نیرو های امریکائی تا هر وقتی ضرورت باشد در افغانستان باقی می مانند. برخی ها این را سناریوی مقامات دولت امریکا می دانند که هر وقت حرف های متناقضی می زنند ، اما برخی ها این را اختلاف در رهبری دولت امریکا می دانند و برخی ها آن را نا متعادل بودن جوبایدن می دانند.

دفتر کشائی طالبان:

تلاش برای اینکه طالبان در پاکستان و ترکیه دفتر باز کنند، به شدت جریان دارد. گرچه تا حال خود طالبان در این مورد چیزی نگفته اند، اما سرکردگان تسلیمی طالبان چون متوکل، ملا مجاهد و ملا ضعیف چنین تلاش هائی را به

اشاره دولت افغانستان و سازمان سیای امریکا انجام می دهند. تا حال ترکیه ایجاد چنین دفتری را پذیرفته ، اما پاکستان با این که گفته است از پروسه صلح با طالبان حمایت می کند، اما از بازگشائی چنین دفتری برای طالبان چیزی نگفته است. عطاالله لودین که یکی از جنایتکاران حزب اسلامی گلبدین است و به عنوان معاون شورای عالی صلح انتخاب شده است، از سفر اخیر این شورا به پاکستان خوشحال است و می گوید که تا حدی با نمایندگان گلبدین به نتیجه رسیده است. اما ضعیف به نظر می رسد که خود طالبان به زودی حاضر به باز کردن دفتر در پاکستان شوند، پاکستان نیز نمی خواهد به این آسانی مزدوران طالب خود را روی بازار آورده و راه را برای مفاهمه آنها با دولت کابل به این آسانی باز نماید. در آن صورت دیگر طالبان در جنگ شان باقی نخواهند ماند.